

زاگرس مرکزی و مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای - محلی [۱]

خداکرم مظاهری*

رضا حقیقی**

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، مطالعه، بررسی و معرفی مسیرهای ارتباطی است که از دوران گذشته مورد استفاده‌ی ساکنان منطقه‌ی زاگرس مرکزی، به ویژه کوچ‌نشینان قرار گرفته است. در گذشته، مطالعات جغرافیایی نسبتاً جامعی در زمینه‌ی معرفی مسیرهای ارتباطی منطقه صورت گرفته است؛ ولی در این پژوهش با رویکردی نو مطالعات باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نیز انجام گرفته است. این مقاله در پی آن است که: آیا این مسیرهای ارتباطی از دوران گذشته تا کنون دچار تغییر و تحول شده‌اند یا نه؟ بنابراین، به عوامل شکل‌دهنده‌ی این مسیرهای ارتباطی و نقش و اهمیت راه‌های مذکور در برقراری ارتباطات منطقه‌ای و محلی پرداخته شده است. مطالعات و بررسی‌های جغرافیایی، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد که با وجود رشته‌کوه‌های بلند و صعب‌العبور منطقه‌ی زاگرس مرکزی می‌گذرد، حداقل از عصر مفرغ تاکنون راه‌های ارتباطی متعددی درون این حوزه شکل گرفته است. در شکل‌گیری این مسیرهای ارتباطی، جغرافیای فیزیکی منطقه نقش اصلی را ایفا نموده است. شرایط کوهستانی منطقه موجب شده که گروه‌های انسانی در امتداد مسیرهای خاصی حرکت نمایند و به نظر می‌رسد که در امتداد این مسیرها تغییرات چندانی رخ نداده است؛ به گونه‌ای که امروزه همین مسیرها مورد استفاده‌ی برخی از مردم منطقه به ویژه عشایر قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: زاگرس مرکزی، مسیرها، باستان‌شناسی عصر مفرغ، ایل زنگنه، کبیرکوه، دره‌ی سیمره، کوچ‌نشینی.

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام و نویسنده‌ی مسئول

**مربی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

مقدمه (بیان مسأله و اهمیت موضوع)

غرب و جنوب غربی ایران از نواحی مهمی هستند که جوامع انسانی در این مناطق نخستین گام‌ها را در راستای اهلی نمودن نباتات و حیوانات برداشته‌اند (Pullar, Wright, 1980: 148 & Zeder, 1999: 11-25; 37: 1977). نخستین مکان‌های باستانی مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی و چراگاه‌گردی در این نواحی شکل گرفته است (Hole, 1974; Wheeler Pires, 1977 & Bernbeck, 1992). از سویی، در اواخر دوره‌ی مس-سنگی میانی (حدود ۴۰۰۰ ق.م.) زندگی کوچ‌نشینی و چراگاه‌گردی شبانی در مناطق غرب ایران شکل گرفته است (Henrickson, 1985: 42). در واقع، زندگی کوچ‌نشینی از مهم‌ترین شیوه‌های معیشت ساکنان زاگرس در سراسر منطقه بوده است (Emberling et al. 2002: 48). امروزه نیز رشته کوه زاگرس از مهم‌ترین قلمروهای زندگی کوچ‌نشینی در ایران به شمار می‌رود (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۷: ۱۹۹؛ بدیعی، ۱۳۷۰؛ ج ۲: ۱۵۲). در زندگی کوچ‌نشینی، انسان از راه پرورش حیوانات و با برخورداری از فراورده‌های کشاورزی امرار معاش می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کند. وجه تمایز کوچ‌نشینی با سایر انواع معیشت در وابستگی انسان به حیوان، استفاده از چراگاه‌های طبیعی، کوچ و جابه‌جایی انسان و دام، به منظور بهره‌گیری از چراگاه‌های طبیعی و احتراز از گرما و سرمای شدید بروز می‌کند (بهاروند، ۱۳۷۸: ۱۱). راه‌هایی که مناطق سردسیر عشایر را به مناطق گرمسیر متصل می‌کنند به «ایل‌راه» معروفند و جابه‌جایی کوچ‌نشینان از طریق ایل‌راه‌ها صورت می‌گیرد. ممکن است طول این ایل‌راه‌ها چند تا چندصد کیلومتر در نوسان باشد (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۰۲). با توجه به قدمت حداقل پنج هزارساله‌ی زندگی کوچ‌نشینی در منطقه‌ی زاگرس مرکزی، به نظر می‌رسد کوچ‌نشینان منطقه با بیشترین استفاده از مسیرهای ارتباطی منطقه، نقش مهمی در شناسایی این مسیرها داشته‌اند. در گذشته مطالعات جغرافیایی نسبتاً جامعی در زمینه‌ی معرفی مسیرهای ارتباطی منطقه صورت گرفته؛ ولی مشخص نشده است که سابقه‌ی استفاده از این مسیرهای ارتباطی به چه زمانی برمی‌گردد؟ آیا این مسیرهای ارتباطی دچار تغییر و تحوّل شده‌اند یا نه؟ به هر حال، علّت موضوع چه بوده است؟ آیا این مسیرهای ارتباطی هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرند یا نه؟ چه عامل یا عواملی در شکل‌گیری این مسیرهای ارتباطی نقش اصلی را ایفا نموده است؟

در این پژوهش با توجه به اهمیت تاریخی- فرهنگی حوزه‌ی جغرافیایی زاگرس مرکزی، در نظر است علاوه بر مطالعات جغرافیایی، با رویکردی نو مطالعات باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نیز صورت گیرد و علاوه بر معرفی راه-

های ارتباطی منطقه‌ای و محلی، به سؤالات فوق پاسخ داده شود. در این راستا، به نقش و اهمیت راه‌های مذکور در برقراری ارتباطات منطقه‌ای و محلی نیز اشاره می‌شود.

پیشینه‌ی تحقیق

در سال ۱۳۵۴ شمسی بررسی‌های باستان‌شناسی شمال بلوچستان به سرپرستی ماروچک انجام گرفت. ایشان از طریق پی‌گیری مسیر ایل‌راه‌های کوچ‌نشینان معاصر منطقه‌ی بلوچستان، به شناسایی و مطالعه‌ی استقرارهای فصلی گروه‌های انسانی دوره‌های گذشته پرداختند (Maruchek, 1975: 272-277). در مورد معرفی مسیرهای ارتباطی که از میان منطقه‌ی مورد مطالعه عبور می‌نمایند نیز تحقیقات نسبتاً جامعی انجام شده است، در مورد شکل‌گیری و پیشینه‌ی جاده ابریشم (ریاضی، ۱۳۷۴ و مجیدزاده، ۱۳۶۶)، در مورد مسیرهای ارتباطی شرقی-غربی که از میان منطقه‌ی زاگرس مرکزی می‌گذرد (Henrickson, 1985: 7-8 & fig.3) و در ارتباط با مسیرهای ارتباطی شمالی-جنوبی که از میان این حوزه عبور می‌نماید (Edmonds, 1922: 336-338)، مطالعاتی انجام گرفته و منتشر شده است. در این تحقیق به عنوان رویکردی نو، علاوه بر مطالعات جغرافیایی، مطالعات باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نیز انجام شده و علاوه بر معرفی راه‌های ارتباطی منطقه‌ای و محلی، سعی شده تا سابقه‌ی استفاده از این مسیرهای ارتباطی معلوم شود. از آن‌جا که در میان تحقیقات مرتبط، تحقیقی یافت نشد که با این روش و اهداف انجام شده باشد، مقاله‌ی حاضر بر این باور است که توانسته مسأله‌ی جدیدی را بررسی کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، روش انجام آن یک روش تلفیقی است که با استفاده از شیوه‌های معمول کتابخانه‌ای، اسنادی، تحقیقات میدانی و نقشه انجام گرفته است. اساس کار بر مطالعات میدانی استوار است. اسناد و مدارک و داده‌های کتابخانه‌ای برپایه‌ی متون موجود و تحقیقات مربوطه، از طریق مطالعه و فیش‌برداری گردآوری شده است.

داده‌های میدانی شامل دو سری داده و اطلاعات است: سری اوّل داده‌های صرفاً باستان‌شناسانه شامل اطلاعاتی در مورد تعداد، نوع و موقعیت جغرافیایی مکان‌های باستانی مرتبط با زندگی کوچ‌نشینان است که در دامنه‌های شمالی کبیرکوه شکل گرفته‌اند. در یک بررسی میدانی کلیه‌ی اطلاعات مورد نیاز به صورت مستقیم در محل، جمع‌آوری و ثبت و ضبط شده است. سری دوم اطلاعات صرفاً مردم‌شناسی است که در جمع‌آوری آن از روش‌های مرسوم در

قوم‌نگاری استفاده شده است. البته، در یک بررسی میدانی در محل، کلیه‌ی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است.

محدوده و ارتفاعات مهم زاگرس مرکزی

چین‌خوردگی‌های زاگرس که مانند دیواره‌ی عظیمی از ناحیه‌ی شمال‌غرب شروع شده و به سمت جنوب‌شرق ایران تا تنگه‌ی هرمز گسترش یافته، بزرگ‌ترین واحد ناهمواری‌های ایران را تشکیل می‌دهد و در طول ۱۳۵۰ کیلومتری خود پهنای متفاوتی دارد. کم‌عرض‌ترین قسمت آن حدود ۱۲۵ کیلومتر در حوالی رود دز و پهن‌ترین قسمت آن نزدیک به ۲۷۵ کیلومتر در فارس می‌باشد (بدیعی، ۱۳۷۰؛ ج ۱: ۴۹).

زاگرس را براساس عوامل مختلفی مانند وضعیت آب و هوایی قسمت‌های مختلف آن، نواحی رویشگاه گونه‌های مختلف بلوط، زمین‌شناسی، عرض جغرافیایی، شکل ناهمواری‌ها، ارتفاعات و ... به قسمت‌های گوناگونی تقسیم نموده‌اند؛ آن گونه که براساس وضعیت آب و هوایی و میزان دریافت بارش، سلسله جبال زاگرس را به دو ناحیه‌ی شرقی و غربی تقسیم نموده‌اند (رهنمایی، ۱۳۷۱: ۹۶). در تقسیم‌بندی دیگری که هم در مطالعات جغرافیایی و هم در مطالعات باستان‌شناسی منطقه کاربرد دارد، سلسله ارتفاعات زاگرس به سه ناحیه تقسیم گردیده است. در این تقسیم‌بندی زاگرس به وسیله‌ی دشت‌های پهناوری چون کرمانشاه در غرب و شیراز در جنوب، از هم جدا شده و به قسمت‌های شمالی، مرکزی و جنوبی تفکیک شده‌اند. ناحیه‌ی زاگرس شمالی در جنوب کوه‌های آذربایجان قرار دارد؛ و چون نسبت به نواحی دیگر بلندی ارتفاعات آن کم‌تر است؛ دره‌های تنگ متعدد و کوه و کمره‌های سخت‌تری دارد که ارتباطات را مشکل کرده است. زاگرس مرکزی مانند البرز میانی قله بلند زیادی با بیش از سه هزار متر ارتفاع دارد که بیشتر ایام سال از برف پوشیده شده‌اند. زاگرس مرکزی که در حقیقت ارتفاعات بین دو دشت کرمانشاه و شیراز هستند، از رشته‌های متعدد موازی با پهنای متفاوت از ۲۰۰ - ۶۰۰ کیلومتر به نام پا طاق (عموماً با خصایص آلپی) تشکیل یافته است (بدیعی، ۱۳۷۰؛ ج ۱: ۴۹ - ۵۰). در این تقسیم‌بندی، زاگرس جنوبی نواحی جنوب و جنوب شرقی دشت شیراز را در بر می‌گیرد. در مطالعات باستان‌شناسی، هنگامی که از اصطلاح «زاگرس مرکزی» نام برده می‌شود، با همان حوزه‌ی مورد نظر در مطالعات جغرافیایی مطابقت می‌نماید، غیر از این که مرزهای جنوبی این حوزه به جای دشت شیراز، به نواحی جنوب‌شرقی استان لرستان و دامنه‌های شمالی دشت سوزیانا محدود شده است. سرحدات این ناحیه عبارتند از :

الف) کناره‌های شمالی دره‌های عریضی که جاده‌ی معروف خراسان از میان آن‌ها و مابین همدان - بغداد امتداد دارد، مرز شمالی را تشکیل می‌دهد؛ ب) نوار ارتفاعات الوند و جهت جغرافیایی رو به سمت جنوب شرق آن، مرز شرقی این ناحیه را شکل می‌دهد؛ ج) مرز جنوبی این ناحیه به لبه‌های شمالی دشت سوزیانا محدود می‌گردد؛ د) لبه‌های شرقی سرزمین‌های پست بین‌النهرین مرز غربی این ناحیه را تشکیل می‌دهد که تا حدودی با مرز کشور عراق مطابقت می‌نماید (Henrickson , 1985: 4).

چهار رشته از ارتفاعات مهم جبال زاگرس عوارض جغرافیایی عمده‌ی منطقه‌ی مذکور را شکل داده‌اند که تا حدودی به شکل تقریباً موازی از سمت شمال غرب به سوی جنوب شرق کشیده شده‌اند. این رشته ارتفاعات که عمدتاً مسیر جریان رودخانه‌ها و گذرگاه‌های ارتباطی مهم منطقه را شکل می‌دهند، از غرب به سمت شرق عبارتند از: کبیرکوه، سفیدکوه، کوه گرین و کوه الوند (Ibid: 4).

کبیرکوه بزرگ‌ترین و منظم‌ترین ارتفاعات استان ایلام است که تقریباً ۱۶۰ کیلومتر طول دارد و از حوالی جنوب شهر ایلام چون دیواره‌ای بلند و نفوذ ناپذیر در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد می‌یابد. در ساحل راست رود کرخه از ارتفاع آن کاسته و به زمین‌های هموار تبدیل می‌شود (جغرافیای استان ایلام، ۱۳۷۸: ۲). در غرب و شرق کبیرکوه دو رشته‌کوه بریده‌ی کم عرض واقع شده‌اند که با رشته‌کوه اصلی حدود سه تا چهار کیلومتر فاصله دارند. این دو رشته‌ی فرعی در تمام طول کبیرکوه وجود ندارند و امتداد آن‌ها فقط از مقابل ماژین تا تنگ سیکان در شهرستان **دره‌شهر** است؛ در این رشته‌ها تنگه‌های با اهمیتی چون دره‌شهر، سیکان، شیخ‌مکان و یوزاندر دیده می‌شوند (رزم آرا، ۱۳۲۰: ۱۲). سفیدکوه نیز از خرم‌آباد شروع شده تا شمال باختری لرستان امتداد دارد و طول آن نزدیک به ۵۶ کیلومتر است. تنگه‌ی مشهور «گاوشمار» در منتهی‌الیه غربی آن واقع شده است. کوه گرین که به "گری و گرو" نیز معروف است، جزو کوه‌های شمالی استان لرستان است که به خط مستقیم از بیستون تا کارون؛ یعنی از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده و اشترانکوه دنباله‌ی آن است. طول سراسری آن نزدیک به ۱۸۰ کیلومتر است (ایزدینا، ۱۳۶۳: ۶-۷). کوه معروف و عظیم الوند، در جنوب شهرستان همدان قرار دارد و خط - الرأس آن، حد طبیعی بین این شهر و شهرستان تویسرکان با جهت شمال غربی - جنوب شرقی می‌باشد. بخش مرکزی همدان در دره‌ها و دامنه‌های شمالی الوند و شهرستان تویسرکان در دره‌های جنوبی این کوه واقع شده

است. قله‌ی الوند از سطح دریا ۳۵۸۰ متر ارتفاع دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۴۹۹-۵۰۱ و ۵۰۵).

زاگرس مرکزی و مسیرهای ارتباطی

مسیرهای ارتباطی مهمی را که از میان منطقه‌ی زاگرس مرکزی می‌گذرد، به دو دسته مسیرهای شرقی- غربی و شمالی- جنوبی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین مسیر شرقی- غربی که از سرحدات شمالی منطقه‌ی مورد مطالعه عبور می‌کند، قسمتی از جاده‌ی معروف به «جاده‌ی ابریشم» می‌باشد. این مسیر با جهت جنوب غربی- شمال شرقی، راه ارتباطی میان بین‌النهرین و افغانستان بوده است که از جنوب آشور، قصرشیرین، کرمانشاه، کنگاور، همدان، ساوه و ری عبور می‌کرده؛ سپس، در این نقطه به جاده‌ی شرقی- غربی (که تا افغانستان ادامه یافته) متصل می‌شده است. این راه همان جاده‌ی معروف ابریشم (جاده بزرگ خراسان) است (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳). این جاده حدود ده‌هزار سال، نقش مهمی در نقل و انتقال مواد، فرهنگ، آیین، فن‌آوری، ایجاد و توسعه‌ی روابط فرهنگی و اقتصادی و نزدیکی ملت‌ها به عهده داشته؛ و حتی سابقه‌ی این گونه داد و ستدها بسیار قدیمی‌تر از زمانی است که در آن مسوجات ابریشمی نیز حمل می‌شده است (ریاضی، ۱۳۷۴: ۴۸). تنها مسیر مهم دیگری که در جهت شرقی- غربی، از میان زاگرس مرکزی می‌گذشته، مسیری است که به نام مسیر «پشت‌کوه- خرم‌آباد- بروجرد» خوانده می‌شود. این راه نسبت به جاده بزرگ خراسان (که از امتداد لبه‌ی شمالی منطقه می‌گذشته) از دامنه‌های جنوبی‌تر عبور می‌کرده است. این راه از قسمتی از جاده‌ی بزرگ خراسان، در مجاور مرز عراق- ایران و در منطقه‌ی قصرشیرین منشعب شده و از طریق گیلانغرب و پشت‌کوه در جهت جنوب شرقی امتداد می‌یافته؛ و سپس، از مسیر طرحان، کوه‌دشت، خرم‌آباد و دره‌های جنوب بروجرد به سمت شرق کشیده شده و سرانجام سر از نواحی دور دست جنوب شرقی لرستان در می‌آورده است. یک راه فرعی از این مسیر منشعب، و در غرب منطقه‌ی طرحان به سمت نواحی جنوبی‌تر جدا شده و به سمت دره‌ی رومشگان در شمال دره‌ی سیمره کشیده می‌شده؛ و دوباره در جهت شمال و شمال شرقی به سمت کوه‌دشت امتداد یافته و به مسیر «پشت‌کوه- خرم‌آباد- بروجرد» وصل می‌گردیده است. این دو مسیر ارتباطی؛ یعنی جاده‌ی بزرگ ابریشم در امتداد مرز شمالی زاگرس مرکزی و مسیر «پشت‌کوه- خرم‌آباد- بروجرد» و دامنه‌ی جنوبی آن، تنها مسیرهای نسبتاً خوب شرقی- غربی بوده که از دوران گذشته از امتداد زاگرس مرکزی می‌گذشته‌اند. رشته ارتفاعات صعب‌العبور و آب و هوای سرد زمستانی منطقه موجب شده تا

مسافرت در جهت شرقی- غربی منطقه‌ی زاگرس مرکزی با دشواری انجام گیرد. مسیرهای مستقیم که از عرض رشته ارتفاعات می‌گذشته‌اند، شیب‌دار و خطرناک بوده و گروه‌های انسانی و حیوانات هنگام عبور از این مسیرها، با کمبود منابع آب و مراتع مواجه می‌شده‌اند. البته، گذشتن از آن‌ها مستلزم صعودهای تقریباً عمودی و پائین آمدن در مسیرهای شیب‌دار بوده است (Henrickson , 1985: 7-8 & fig.3).

ادموندز مسیرهای شمالی- جنوبی (چهار مسیر مهم بین دزفول- خرم‌آباد) را معرفی کرده؛ سپس، مسیرهایی را که از خرم‌آباد به طرف مناطق شمالی‌تر امتداد می‌یافته، نشان داده است. هر کدام از مسیرهای چهارگانه‌ی بین دزفول- خرم‌آباد، خود یک یا چند مسیر فرعی جایگزین داشته‌اند. این راه‌ها از سمت شرق به غرب عبارتند از:

۱. **مسیر پایی:** این راه از دورترین قسمت‌های شرق لرستان و از نزدیک رودخانه دز عبور می‌کرده است؛

۲. **مسیر قلاوند:** این مسیر از دزفول به سمت شمال، سپس به سوی قلیاب امتداد می‌یافته، سرانجام از روی کوه هفتادپهلوی به سمت خرم‌آباد می‌رفته است. فاصله‌ی این مسیر در حدود ۱۰۰ مایل بوده است؛

۳. **مسیر دالیچ - پل زال:** این راه از دزفول شروع می‌شده و خط سیر آن در جهت شمال غربی به سمت پل زال بوده است. این مسیر نیز در آخر به سمت مناطق چمشک، دادآباد و سرانجام خرم‌آباد امتداد می‌یافته است. طول این مسیر ۱۱۵ مایل بوده است؛

۴. **مسیر سیمره:** این راه (غربی‌ترین راه)، از دزفول در جهت غرب به سمت پای پل امتداد می‌یافته است. در این محل بقایای یک پل باستانی روی کرخه دیده می‌شود. این مسیر در جهت شمال به سمت سرزمین پشت‌کوه ادامه می‌یافته است. در پشت‌کوه از طریق یکی از معابر کبیرکوه به سمت دره‌ی سیمره، و از آن‌جا از عرض رودخانه سیمره می‌گذشته و به سمت دره‌ی رومشگان در منطقه‌ی پیش‌کوه عبور می‌کرده است. سرانجام از طریق پل مادیان رود، کوه‌دشت و پل کشکان به خرم‌آباد وصل می‌گردیده است. طول این مسیر در حدود ۱۸۰ مایل بوده است. از خرم‌آباد به سمت شمال نیز راه‌های زیر وجود داشته است:

۱. **راه سگوندها:** از طریق گذرگاه زاغه و چالان چولان به سمت بروجرد امتداد داشته و ۵۵ مایل طول آن بوده است؛

۲. **مسیر بیرانوندها:** این راه، خرم‌آباد را از طریق گردنه‌ی زاهدشیر، رودخانه‌ی هورود و گذرگاه پونه به بروجرد وصل می‌کرده و طول آن حدود ۳۸ مایل بوده است؛

۳. مسیر حسوندها: این راه در جهت شمال-شمال غربی خرم‌آباد و از طریق الشتر به سمت بیستون و کرمانشاه امتداد داشته و بیش از ۱۰۰ مایل فاصله‌ی آن بوده است؛

۴. مسیر دلفان: این راه که در حدود ۱۳۰ مایل بوده، در جهت غرب خرم‌آباد؛ از طریق پل کشکان، کوه‌دشت و هلیلان؛ خرم‌آباد را به کرمانشاه وصل می‌کرده است (ر.ک: Edmonds, 1922: 336-337 & 338).

راولینسون در سال ۱۸۳۶ میلادی به همراه یک هنگ نظامی، سراسر منطقه را در نور دیده است. ایشان از منطقه‌ی سرپل ذهاب، از مسیر شرقی-غربی «پشت‌کوه-خرم‌آباد-بروجرد» و راه گیلانغرب، زرنه و ایوان به دره‌ی سیروان رسیده و از شهر تاریخی سیروان (سرابکلان) بازدید نموده است. از آن‌جا در جهت جنوب به سمت دره‌ی لارت و بدره (در غرب شهرستان دره‌شهر) و در جهت شرق آمده تا به دره‌ی سیمره رسیده است. پس از آن، با عبور از پل گاومیشان، مسیر شمالی-جنوبی دالیچ-پل زال را پیموده تا به دزفول و جلگه‌ی سوزیانا رسیده است. وی با بازدید از مناطق مختلف جلگه‌ی سوزیانا، دوباره راهی خرم‌آباد شده و از آن‌جا به بیستون رفته است. البته، برای رسیدن به خرم‌آباد و سرانجام به بیستون، از مسیرهای قلاوند و حسوندها عبور کرده است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۳۳-۱۴۳). ژاک دومورگان از طریق دامنه‌ی جنوبی مسیر شرقی-غربی «پشت‌کوه-خرم‌آباد-بروجرد»، از پشت‌کوه به سمت رومشگان آمده و از آن‌جا مسیر شمالی-جنوبی سیمره را دنبال نموده و از طریق مادپان رود به سمت خرم‌آباد و بروجرد مسافرت کرده است. ایشان در ارتباط با مدت زمان پیمودن مسیر بین خرم‌آباد-دزفول چنین گفته است: «بین خرم‌آباد و دزفول پست توسط مردانی پیاده‌رو (پیک) انجام می‌شود که تنهایی راه می‌افتند و به هر طریق که بتوانند از کوه‌ها عبور می‌کنند، هشت یا نه روزه به مقصد می‌رسند» (دومورگان، ۱۳۳۹: ۲۱۰).

مسیرهای شمالی-جنوبی عمدتاً به وسیله‌ی گله‌داران کوچ‌نشین، هنگام مهاجرت سالانه بین چراگاه‌های تابستانی موجود در دره‌های کوهستانی مرتفع و چراگاه‌های زمستانی در نواحی پایین‌تر، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Emberling et al. 2002: 48). قسمت عمده‌ی مسیرهای اصلی و فرعی شمالی-جنوبی که معمولاً در جهت شمال غربی-جنوب شرقی کشیده شده‌اند، در امتداد کشیدگی رشته ارتفاعات زاگرس واقع شده‌اند (8: 1985, Henrickson). در منطقه‌ی پشت‌کوه نیز مسیرهایی با جهت شمال غربی-جنوب شرقی وجود داشته و همه‌ی آنها در راستای شیب دامنه‌های کبیرکوه بوده‌اند (Haerinck & Overleat, 2002: 166). یکی از این مسیرها در سده‌های اخیر، حسین‌آباد (نام قدیم شهر ایلام) را به دره‌ی سیمره وصل می‌نموده است. این مسیر با جهتی به

سمت جنوب شرقی و از دامنه‌های شمالی کبیرکوه و گذرگاه صعب‌العبور مله پنجاب می‌گذشته است. فریا استارک در سال ۱۹۳۱ میلادی از منطقه‌ی پشت‌کوه و از طریق این مسیر به سمت منطقه‌ی طرحان مسافرت نموده است (Stark, 1933: 252).

یکی دیگر از راه‌های مشهور منطقه، جاده‌ی شاهی است. این جاده از شوش شروع می‌شد، از دجله عبور می‌کرد، از حرّان می‌گذشت و به ساردس ختم می‌گردید و تا افسوس امتداد می‌یافت. جاده‌ی شاهی حدود ۲۶۸۳ کیلومتر طول داشت و شامل ۱۱۱ منزلگاه بود. در هر منزلگاه اسب‌های تازه نفس برای پیک‌های شاهی آماده بودند. به قول مورخان قدیم کاروان‌ها ۹۰ روز طول می‌کشید تا این جاده را از اول تا انتها طی نمایند، در صورتی که پیک‌های شاهی این راه را در یک هفته می‌پیمودند (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۵۸ و رابینسون، ۱۳۷۰: ۲۱۲).

یافته‌های باستان‌شناسی

دره‌ی سیمره یکی از دره‌های حوزه‌ی جغرافیایی زاگرس مرکزی است که بررسی‌های باستان‌شناسی جامع و دقیقی در آن‌جا صورت گرفته است. این دره، جنوبی‌ترین دره‌ی منطقه‌ی پیش‌کوه غربی (محدوده‌ی جغرافیایی بین کبیرکوه در غرب و سفیدکوه در شرق) است. از سویی، در دامنه‌ی شمالی ارتفاعات کبیرکوه، یکی از مهم‌ترین موانع و عوارض طبیعی منطقه شکل گرفته است. قسمت اعظم محدوده‌ی جغرافیایی دره‌ی سیمره، در بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر واقع است. طول دره حدود ۳۰ کیلومتر و عرض (شمالی - جنوبی) آن بین کبیرکوه در جنوب و رودخانه‌ی سیمره در شمال، بین ۱ - ۱۰ کیلومتر در نوسان است. این دره به شکل یک حوزه‌ی جغرافیایی با مرزهای طبیعی، در دامنه‌های شمالی کبیرکوه قرار دارد. البته، مهم‌ترین معابر کبیرکوه در امتداد دره‌ی سیمره واقع‌اند. امروزه جاده‌ی ارتباطی دره‌شهر - آبدانان در امتداد یکی از این معابر شکل گرفته است. علی‌رغم مانع عظیمی که با رشته ارتفاعات کبیرکوه شکل گرفته است، این کوه گذرگاه‌ها و معابر تنگ، باریک، خطرناک و صعب‌العبوری دارد که از گذشته مورد توجه گروه‌های انسانی واقع بوده‌اند و از طریق این معابر بین مناطق دو طرف کبیرکوه رفت و آمد می‌نموده‌اند. مهم‌ترین معابر کبیرکوه در حوزه‌ی دره‌ی سیمره عبارتند از: تنگه‌ی چوبینه، تنگه‌ی شیخ مکان، تنگه‌ی دره‌شهر، تنگه‌ی سیکان و تنگه‌ی زرانگوش. به علت نقش مهمی که معابر مذکور در برقراری ارتباطات بین مناطق دو طرف کبیرکوه داشته‌اند، بقایای سازه‌ای شکلی در دهانه‌ی ورودی، داخل تنگه‌ها یا مجاور این معابر دیده می‌شود که نشان از اهمیت کنترل رفت و آمدهای ساکنان منطقه از طریق این معابر داشته

است. از سوی دیگر، وجود بقایای پل‌های عظیم گاومیشان، چمن‌مشت و جایدر در منطقه، حاکی از اهمیت رفت و آمد از طریق درّه سیمره بوده است.

در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی درّه‌ی سیمره در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ خورشیدی [۲]، در مجموع تعداد ۲۶ مکان باستانی با آثار فرهنگی عصر مفرغ شناسایی گردید جدول شماره (۱) و نقشه‌ی شماره (۱) و [۳] (۲). یکی از تقسیم‌بندی‌های مرسوم در مطالعات باستان‌شناسی، تقسیم محل‌های باستانی به دو گروه محل‌های استقرار (مسکونی) و غیراستقراری (غیر مسکونی) است. البته، هر کدام خود به زیر گروه‌هایی قابل تقسیم هستند. قسمتی از معیارها و مدارکی که برای انجام این تقسیم‌بندی مورد استناد قرار می‌گیرد، عبارتند از: انباشت‌های فرهنگی، زیر ساخت‌های طبیعی، فقدان زمین زراعی، نبود آب در تابستان و شواهد فرهنگی سطحی. گاهی رج‌های متشکل از قلوه‌سنگ‌ها برای ساختن دیوارهای چادر، اجاق‌ها و آغل‌ها و یکسری مجموعه آثار سفالی، بدون کوزه‌های بزرگ مخصوص انبار کردن، می‌تواند نشانه‌ی محوطه‌های چادرنشین باشد. گورستان‌های دور افتاده و جدا از تپه‌های باستانی را به عنوان گورستان‌های مرتبط با گروه‌های چراگاه‌گرد کوچ‌نشین معرفی نموده‌اند یا مجاورت با چشمه‌ها در نواحی بدون زمین زراعی را حاکی از زندگی کوچ‌نشینی می‌دانند (رایت، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۲۸۸). در راستای اهداف مورد نظر، ابتدا محل‌های باستانی عصر مفرغ درّه‌ی سیمره، براساس شواهد و مدارک موجود، به دو گروه محل‌های استقرار و غیراستقراری تقسیم شده‌اند. در نتیجه، مشخص شد از میان ۲۶ محل مورد مطالعه، یازده مورد از نوع محل‌های استقرار و پانزده مورد مابقی، محل‌های غیراستقراری مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی اند. در این میان پنج مورد از محل‌های غیراستقراری مرتبط با استقرارهای کوچ‌نشینی هستند که درون غارهای بین‌راهی در امتداد تنگه‌ی زرانگوش شکل گرفته‌اند. ده محل دیگر از نوع قبرستان‌های مستقل و دور از مراکز مسکونی و مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی هستند. مطالعات باستان‌شناسی در مورد محل‌های باستانی عصر مفرغ درّه‌ی سیمره حاکی است که با دو نوع محل باستانی مرتبط با دو شیوه‌ی معیشتی متفاوت مواجه‌ایم:

۱. محل‌های استقرار و وابسته به زندگی مبتنی بر کشاورزی؛

۲. محل‌های غیراستقراری مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی.

هر کدام از این دو گروه، به شرایط خاص جغرافیایی وابسته‌اند. سهولت دسترسی به مراتع، ایل‌راه‌ها و گذرگاه‌های مناسب، شرایط آب و هوایی مناسب و ... از جمله عواملی است که از دوران گذشته مورد توجه کوچ‌نشینان

چراگاه گرد بوده است. برعکس، اراضی نسبتاً هموار و مسطح، خاک حاصلخیز، منابع آب کافی و ... از جمله شرایط مهم مورد توجه روستائیان کشاورز بوده است. در مطالعه‌ی دیگری که درباره‌ی محل‌های غیراستقراری انجام گرفت، ارتباط و فاصله‌ی آنها از معابر کبیرکوه ارزیابی شد. بر این اساس، به حوزه‌های معابر کبیرکوه تقسیم شدند. در این میان هفت مکان مرتبط با حوزه‌ی تنگه‌ی زرانگوش، چهار محل مرتبط با حوزه‌ی تنگه‌ی دره‌شهر، دو محل مرتبط با حوزه‌ی تنگه‌ی شیخ مکان، یک محل مرتبط با حوزه‌ی تنگه‌ی چوبینه و یک نقطه نیز در مجاور یکی از گذارهای رودخانه‌ی سیمره شکل گرفته است (نقشه‌ی شماره ۲). بیشترین مکان‌های غیر استقراری شناسایی شده، در حوزه‌ی تنگه‌ی زرانگوش پراکنده‌اند. شاید مهم‌ترین دلیل این موضوع این است که تنگه مزبور راحت‌ترین مسیر برای عبور از کبیرکوه بوده است. همه‌ی این مکان‌های غیر استقراری در امتداد مسیرهای به سمت قلمرو گرمسیری واقع‌اند. قلمرو گرمسیری عشایر ایران پهنه‌ای است جلگه‌ای در حاشیه‌ی فلات که در جنوب ایران از کناره‌های شمالی خلیج فارس آغاز شده و تا مناطقی با ارتفاع حدود ۹۰۰ متر را دربر می‌گیرد (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۵). در نتیجه، مشخص می‌شود که معابر کبیرکوه حداقل از دوره‌ی مفرغ (۱۴۰۰ - ۲۸۰۰ ق.م.) تاکنون مورد توجه گروه‌های کوچ‌نشین بوده است و با وجود مانع عظیمی که سلسله ارتفاعات کبیرکوه ایجاد نموده، گروه‌های متحرک انسانی بر اساس شناختی که در نتیجه‌ی تجربه حاصل کرده‌اند، معابر و گذرگاه‌های این سلسله ارتفاعات را شناسایی نموده و برای عبور از کبیرکوه از این مسیرها استفاده نموده‌اند.

مطالعات مردم‌شناسی

امروزه علاوه بر دامداران ثابت و نیمه متحرک و متحرک استان ایلام و شهرستان دره‌شهر؛ هر سال تعداد زیادی از دامداران استان‌های لرستان، همدان و کرمانشاه از مسیر دره‌ی سیمره و معابر و تنگه‌های کبیرکوه به سمت پشت‌کوه و شمال خوزستان کوچ می‌کنند. گاه عبور گله‌های احشام از میان برخی تنگه‌های کبیرکوه ساعت‌ها طول می‌کشد. ایل بیرانوند از ایلات معروف لرستان است که از میان دره‌ی سیمره عبور می‌کند. این ایل برای قشلاق وارد استان ایلام می‌شود. عده‌ای از آنان از طریق خرم‌آباد به سوی ماژین، دره‌شهر و دشت کلات کوچ می‌کنند و در این نقاط ساکن می‌شوند و گروهی دیگر به ناحیه‌ی دشت عباس از توابع شهرستان دهلران می‌روند و برای تعلیف دام‌های خود تا حدود مرز ایران و عراق کوچ می‌کنند. ایل‌های زنگنه و زوله نیز هر سال از اوایل مهرماه جهت رفتن به قشلاق از اطراف کرمانشاه و اسلام‌آباد غرب، به سوی استان ایلام حرکت می‌کنند، پس از عبور از کوه قلاج، از

طریق چرداول به سیروان، بدره و از طریق تنگه‌ی زرانگوش به آبدانان و سپس، به دینارکوه، دشت قرخ‌آباد و برتش دهلران کوچ کرده و در آن‌جا به دامداری و گله‌داری مشغول می‌شوند. اوایل فروردین ماه سال بعد باز از همان مسیر به سرزمین اصلی خود باز می‌گردند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۱۵-۱۸). مراتع زیربند (قشلاق) در دشت‌های مهران، دهلران و آبدانان قرار دارند. مراتع برتش در منطقه‌ی بسیار وسیعی در امتداد کوه‌های حمیرین واقع شده است. وجود این مراتع وسیع موجب شده هر سال گروه زیادی از دامداران همدان، کرمانشاه، لرستان و سایر مناطق به این قسمت سرازیر شوند. در گذشته دامداران عراقی با کسب مجوزهای ویژه‌ای برای چرای گوسفندان به مراتع برتش روی می‌آوردند (خیتال، ۱۳۶۹: ۲ و Hole, 1979: 198).

ایل زنگنه از ایلاتی است که در کانون توجه این تحقیق قرار گرفته است. این ایل در فصل کوچ تمام حوزه زاگرس مرکزی را از دشت کرمانشاه تا شمال خوزستان در می‌نوردد. در منابع مختلف ایل زنگنه به عنوان یکی از شعبات و گروه‌های اصلی کردهای ایرانی معرفی شده است (زکی بیگ، ۱۳۸۱: ۲۷۳؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۲۲-۳۲۸). با این که امروزه حوزه‌ی اصلی محل سکونت ایل زنگنه استان کرمانشاهان است؛ ولی به دلایل مختلفی در قرون گذشته گروه‌های متعددی از این ایل در مناطقی مانند فارس، خوزستان، کهگیلویه، همدان، خراسان، موصل، کرکوک و هرات پراکنده شده‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۱۲۱۷). طبق آخرین آمار جمعیت ایل زنگنه در سال ۱۳۷۷ حدود ۳۸۱۶ نفر در قالب ۵۴۷ خانوار بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷).

عشایر ایل زنگنه نیز به منظور استفاده از منابع طبیعی چرای دام و علاقه به کوچ‌نشینی، با تمام اعضای خانواده و بار و بنه و سرپناه قابل حمل، هر سال با طی مسافتی بیش از ۵۰۰ کیلومتر جاده‌ی مالرو با نظم خاصی از ناحیه‌ی بیلاقی ماهی‌دشت کرمانشاه کوچ کرده و با کوچ‌های متوالی و استفاده از چرای میان‌بند، خود را به ناحیه قشلاقی دهلران و پیرامون آن (محدوده‌ی زیست و قلمرو زمستانی) می‌رسانند. محل بیلاق عشایر زنگنه مناطق ماهی‌دشت، قیماس، تالان‌دشت، میدان‌تیر، جلال‌وند، مندرک، سرفیروزآباد و هرسم است (سازمان امور عشایر، ۱۳۶۷: ۶-۷). قلمرو قشلاق عشایر زنگنه مراتع برتش و دشت‌عباس در حوزه شهرستان دهلران از توابع استان ایلام می‌باشد. این مناطق از دوران گذشته به واسطه‌ی وجود مراتع غنی، منابع آب و شرایط اقلیمی مساعد، همواره مورد توجه عشایر کوچ‌رو مانند ایلات زنگنه، زوله، ترکاشوند، حسنوند و ... بوده است.

با مطالعه‌ی مسیرهای اصلی کوچ عشایر ایل زنگنه (جدول شماره ۲) مشاهده می‌شود که مسیرهای ارتباطی فعلی از دوران گذشته مورد استفاده گروه‌های انسانی بوده است. عشایر زنگنه در مسیر خود از مسیر غربی- شرقی «پشت- کوه- خرم‌آباد- بروجرد» می‌گذرند؛ به طوری که از دامنه‌های جنوبی مناطق ماهی‌دشت و کرمانشاه به سمت کوه قلاجه و از طریق منطقه‌ی چهارمله و آسمان‌آباد (از توابع شهرستان چرداول در استان ایلام) به سمت دره‌ی سیروان حرکت می‌کنند و سرانجام از طریق کوه مله رفته خود را به دامنه‌های شمالی کبیرکوه می‌رسانند. پس از آن، معبر تنگه‌ی زرانگوش در کبیرکوه را پشت سر می‌گذارند تا خود را به ناحیه‌ی پشت‌کوه در منطقه‌ی آبدانان برسانند و سرانجام به سمت دهلران و منطقه برتش رهسپار گردند. تنگه‌ی زرانگوش، در عصر مفرغ نیز مهم‌ترین گذرگاه مورد استفاده‌ی گروه‌های کوچ‌نشین بوده است. مدت زمان کوچ ایل زنگنه در حدود یک ماه طول می‌کشد. البته، به عوامل مختلفی مانند میزان غنای مراتع بین‌راهی (هر چه مراتع غنی‌تر باشد، که دیرتر حرکت می‌نمایند)، نوع برخورد اهالی شهری و روستایی (که عشایر از کنار آنان می‌گذرند)، میزان امنیت مناطق بین‌راهی، شرایط اقلیمی و آب و هوایی، میزان ریزش‌های جوی و ... بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

جغرافیای ناحیه‌ی مورد مطالعه از زمان‌های قدیم الگوی اصلی راه‌های دسترسی به درون منطقه و نیز مسیرهای رفت و آمد در درون آن را تعیین نموده است (Henrickson, 1985: 4). بیشتر مسیرهای درون منطقه، در امتداد برجستگی‌های کوهستانی با جهت جغرافیایی شمال غربی- جنوب شرقی می‌گذرند. با وجود این، گذرگاه‌های کوچک کوهستانی که بعضاً فصل زمستان در اثر بارش برف مسدود می‌شوند، عبور در عرض برجستگی‌های کوهستانی را امکان‌پذیر می‌کنند (Hearinck & Overlaet, 2002: 166).

مطالعات و بررسی‌های جغرافیایی، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد که حداقل از عصر مفرغ تاکنون راه‌های ارتباطی متعددی درون حوزه‌ی زاگرس مرکزی شکل گرفته است؛ یعنی با وجود سلسله ارتفاعات عظیم و متعددی که از میان این منطقه می‌گذرد؛ مسیرهای ارتباطی مهمی وجود دارد که از دوران گذشته مورد استفاده گروه‌های انسانی بوده است. فراوانی و پراکندگی بقایای باستانی پل‌های امتداد رودخانه‌های سیمره و کشکان در منطقه نیز نشان از اهمیت برقراری ارتباطات در این حوزه دارد. در شکل‌گیری این مسیرهای ارتباطی، جغرافیای فیزیکی منطقه نقش اصلی را ایفا نموده است. شرایط کوهستانی منطقه و شکل ناهمواری‌ها، عبور و مرور را به

مسیرهای خاصی محدود نموده و موجب شده است که گروه‌های انسانی در امتداد مسیرهای خاصی حرکت نمایند؛ به طوری که فقط در برخی بریدگی‌ها و تنگه‌ها امکان عبور و مرور وجود داشته است و کوچ‌نشینان این ایل‌راه‌ها را شناسایی کرده و از آنها استفاده کرده‌اند. در واقع، می‌توان گفت مهم‌ترین عواملی که در شکل‌گیری مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای و محلی حوزه‌ی جغرافیایی زاگرس مرکزی نقش داشته‌اند، ارتفاعات منطقه و جهت جغرافیایی کشیدگی امتداد آنها و نیز معابر و گذرگاه‌های آنها بوده‌ست. طبق اسناد و مدارک، این مسیرهای ارتباطی که براساس جغرافیای فیزیکی منطقه شکل گرفته‌اند، از گذشته‌های دور تاکنون راحت‌ترین و آسان‌ترین مسیرها برای برقراری ارتباطات بین مناطق مختلف حوزه‌ی زاگرس مرکزی بوده‌اند؛ به طوری که حتی امروزه نیز با وجود گسترش زندگی روستانشینی و به زیر کشت رفتن اراضی میان دره‌ای و اراضی پیرامون مسیرهای ارتباطی، باز هنوز همان معابر و مسیرهای منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای به وسیله‌ی عشایر امروزی در ایام کوچ مورد استفاده واقع می‌شوند. مدارک نشان می‌دهد که سلسله ارتفاعاتی مانند کبیرکوه مانع برقراری ارتباطات در منطقه نشده است، بلکه رفت و آمد را به معابر و ایل‌راه‌های خاص محدود نموده است. معابر کبیرکوه از گذشته‌های دور (حداقل از دوره مفرغ / ۱۴۰۰ - ۲۸۰۰ ق.م.) مورد توجه گروه‌های کوچ‌نشین قرار گرفته و با وجود موانع عظیمی که این سلسله ارتفاعات ایجاد نموده است، گروه‌های متحرک انسانی بر اساس شناختی که در نتیجه‌ی تجربه حاصل کرده‌اند، از معابر و گذرگاه‌های این سلسله ارتفاعات استفاده نموده‌اند. به نظر می‌رسد تغییرات چندانی در امتداد این مسیرهای ارتباطی رخ نداده است؛ زیرا همان طوری که بیان شد امروزه نیز همین مسیرها مورد استفاده مردم منطقه به ویژه عشایر قرار می‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] این مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان «مطالعه‌ی قوم‌باستان‌شناسی ایل‌راه‌های کبیرکوه در عصر مفرغ (مطالعه موردی: ایل زنگنه)» است که با استفاده از بودجه‌ی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، انجام گرفته است.
- [۲] در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ خورشیدی سه فصل بررسی باستان‌شناسی در حوزه‌ی دره‌ی سیمره انجام شده است. فصل اول با عنوان «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر» با استفاده از اعتبارات استانی، زیر نظر پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی کشور و به سرپرستی سیاوش شهبازی انجام گرفت و روی نیمه‌ی غربی دره‌ی سیمره متمرکز گردید. فصل دوم با عنوان «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره‌ی سیمره» با استفاده از اعتبارات

ملی و زیر نظر مدیریت پروژه‌های ملی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور و به سرپرستی نویسنده‌ی مسئول مقاله انجام گرفت و نیمه شرقی حوزه‌ی دره‌ی سیمره را پوشش داد. فصل سوم با عنوان «بررسی بازنگری مکان‌های باستانی عصر مفرغ دره‌ی سیمره»، با اعتبارات شخصی و با سرپرستی نویسنده‌ی مسئول مقاله انجام شده است.

[۳] نقشه‌های شماره (۱) و (۲) به وسیله‌ی رحیم نظری تهیه شده است.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۸۱)، *کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن*، جلد ۲، انتشارات نگارستان کتاب، تهران.
- ایزدپناه، حمید، (۱۳۶۳)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، جلد نخست، انتشارات آگاه، تهران.
- بدلیسی، شرف‌خان بن شمس‌الدین، (۱۳۷۷)، *شرفنامه*، به اهتمام: ولادیمیر ویلیامینوف زرنوف، انتشارات اساطیر، تهران.
- بدیعی، ربیع، (۱۳۷۰)، *جغرافیای مفصل ایران*، جلد ۱ و ۲، انتشارات اقبال، تهران.
- بهاروند، سکندر امان‌الهی، (۱۳۷۸)، *کوچ‌نشینی در ایران*، پژوهش درباره ایلات و عشایر، انتشارات آگاه، تهران.
- *جغرافیای استان ایلام*، (۱۳۷۸)، کتاب درسی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- خیتال، جعفر، (۱۳۶۹)، *مجموعه آراء در مورد سرزمین پشت‌کوه ایلام*، کتابخانه اسماعیلی، ایلام.
- دومورگان، ژاک، (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، جلد دوم، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، انتشارات چهر، تبریز.
- رابینسون، چارلز الکساندر، (۱۳۷۰)، *تاریخ باستان*، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- راولینسون، سرهنری، (۱۳۶۲)، *سفرنامه راولینسون*، ترجمه‌ی سکندر امان‌الهی بهاروند، انتشارات آگاه، تهران.
- رایت، هنری، (۱۳۸۱)، «پسکرانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین»، گردآورنده فرانک هول، *در باستان‌شناسی غرب ایران*، ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، تهران.
- رزم‌آراء، علی، (۱۳۲۰)، *جغرافیای نظامی ایران*، پشت‌کوه، تهران.

- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۷۱)، *توان‌های محیطی ایران*، مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری ایران، تهران .
- ریاضی، محمدرضا، (۱۳۷۴)، «جاده ابریشم: شکل‌گیری و پیشینه»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۸، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- زکی بیگ، محمدامین، (۱۳۸۱)، *زبده تاریخ کرد و کردستان*، ترجمه‌ی یدالله روشن اردلان، جلد ۲، انتشارات توس، تهران.
- سازمان امور عشایر، (۱۳۶۷)، *گزارش تحلیلی از عشایر استان کرمانشاهان*، کرمانشاهان.
- سازمان برنامه‌بودجه، (۱۳۵۵)، *سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران*، جلد ۳، ۲-۵ تیر ۱۳۵۵، کرمانشاهان.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۱)، *فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور*، جلد اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- شهبازی، سیاوش، (۱۳۸۵)، *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان دره‌شهر*، آرشیو اداره کل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام (منتشر نشده).
- صفی‌نژاد، جواد، (۱۳۸۱)، *لرهای ایران*، انتشارات آتیه، تهران.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۹)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه‌ی محمد معین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۶۶)، «سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال اول، شماره دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۷)، *سرشماری اقتصادی عشایر کوچنده*، نتایج تفصیلی، استان ایلام.
- مستوفی الممالکی، رضا، (۱۳۷۷)، *جغرافیای کوچ‌نشینی*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران .
- مظاهری، خداکرم، (۱۳۸۵)، *گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر*، ۳ جلد، آرشیو جهاد دانشگاهی - واحد استان ایلام.

(ب) منابع انگلیسی

- Bernbeck, R. (1992), "Migratory patterns in early nomadism, a reconsideration of Tepe Tulai", *Paleorient*, vol. 18/1, pp. 77- 88.
- Edmonds, C.J. (1922), "Luristan: Pish- ikuh & Bala Giriveh", *Geographical Journal*, vol. LIX, pp. 335-356.
- Emberling, G.; Rob. B.J.; Speth, J. D. & Wright, H.T. (2002) ,"Kunji Cave: early Bronze Age Burials in Luristan", *Iranica Antiqua*, vol. 37, pp. 47-105.
- Haerinck, E. & Overlaet, B. (2002), "The Chalcolithic & the early Bronze Age in Pusht-i Kuh, Luristan: chronology & Mesopotamian contact", *Akkadica*,no.123, pp.163-181.
- Henrickson, E. (1985), "The early development of pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan)", *Iranica Antiqua*, vol. 10, pp. 1-43.
- Hole, Frank, (1974),"Tepe Tulai: an early campsite in Khuzistan, Iran", *Paleorient*, vol. 2, pp. 219-242.
- Hole, Frank, (1979),"Rediscovering the past in the present: Ethno archaeology in Luristan Iran", ed C. Kramer, in *Ethno archaeology*, New York: Columbia university press, pp. 192-218.
- Marvuchek, J. (1976), "A Survey of Seasonal Occupation Sites in Northern Baluchistan", *proceedings of the 4rd annual symposium on archaeological research in Iran*, Iranian center for archaeological research, editet by Firouz Bagherzadeh, Tehran, pp. 284-298.
- Pullar, Judith, (1977), "Early cultivation in the Zagros", *Iran*, vol. 15, pp. 15-37.
- Stark, Miss, F. (1933), "The Pusht-i Kuh", *Geographical Journal*, vol. 82, pp. 247-259.

- Wheeler Pires- Ferriera, J. (1977), "Tepe Tulai: Faunal remains from an early campsite in Khuzistan, Iran", *Paleorient*, vol. 3, pp. 275-279.
- Wright, Jr. H.E. (1980), "Climatic change & plant domestication in the Zagros", *Iran*, vol. 18, pp. 145-148.
- Zeder, M.A. (1999), "Animal domestication in the Zagros: a review of past & current research", *Paleorient*, vol. 25 (2), pp. 11-25.

جدول شماره (۱): فهرست مکان های باستانی عصر مفرغ دره سیمره

کد	نام مکان باستانی فارسی	نام مکان باستانی لاتین	مختصات			نوع پوشش گیاهی	زمان شناسایی
			طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا		
۱	مربردبله باجگیر (۱)	Mar Bard bala Bajgir (1)	۷۰۵۸۱۵	۳۶۷۷۰۷۰	۷۰۶	صخره‌ای	فصل اول
۲	مربردبله باجگیر (۲)	Mar Bard bala Bajgir (2)	۷۰۶۰۰۹	۳۶۷۶۹۴۶	۷۰۴	مرتعی	فصل بازنگري
۳	مرگوار پهن	Mar Goarpahn	۷۰۶۰۴۶	۳۶۷۶۹۳۰	۷۰۴	صخره‌ای	فصل اول
۴	برجک توک توکه	Borjak Tok toka	۷۰۶۲۸۲	۳۶۷۷۴۷۰	۷۱۶	صخره‌ای	فصل اول
۵	توک توکه (۲)	Tok toka (2)	۷۰۶۳۳۵	۳۶۷۷۴۸۰	۷۱۷	صخره‌ای	فصل اول
۶	توک توکه (۱)	Tok toka (1)	۷۰۶۳۴۳	۳۶۷۷۴۴۱	۷۳۲	صخره‌ای	فصل اول
۷	تپه قبرستان فاضل آباد	Tape Gabrestan Fazelabad	۷۱۲۰۴۰	۳۶۷۸۰۹۱	۶۵۱	زراعی	فصل اول
۸	چیا سبز	Chiya Sabz	۷۱۲۳۸۰	۳۶۷۸۶۲۶	۶۶۴	زراعی	فصل اول
۹	تپه بالا ده فاضل آباد	Tape Baladeh Fazelabad	۷۱۲۲۴۴	۳۶۷۷۴۳۲	۶۹۲	مرتعی	فصل اول
۱۰	ده ور (۱)	Deh Var (1)	۷۱۴۷۱۶	۳۶۷۷۷۷۰	۶۴۸	زراعی	فصل اول
۱۱	ده ور (۲)	Deh Var (2)	۷۱۴۷۱۷	۳۶۷۸۰۲۲	۶۴۴	زراعی	فصل اول
۱۲	چیاکه	Chiya ka	۷۱۴۹۴۹	۳۶۷۷۶۲۱	۶۴۶	زراعی	فصل اول
۱۳	غارت مالگه (۲)	Kgarat malgah (2)	۷۲۰۴۱۸	۳۶۷۵۱۸۷	۶۳۸	زراعی	فصل دوم
۱۴	قلعه زینل	Gale zinal	۷۲۰۰۹۶	۳۶۷۵۵۱۳	۶۳۵	زراعی	فصل اول
۱۵	چم نمشت (۲)	Cham Namest (2)	۷۲۶۱۴۶	۳۶۷۲۷۷۴	۶۰۱	مرتعی	فصل دوم
۱۶	تپه قبرستان (۲) دره شهر	Tape Gabrestan (2) Dareh sahr	۷۲۱۶۱۱	۳۶۷۱۲۲۹	۶۶۶	مرتعی	فصل دوم
۱۷	پشت قبرستان جهانگیر آباد	Post Gabrestan jehangir abad	۷۲۰۵۳۸	۳۶۶۶۸۰۶	۷۲۲	زراعی	فصل دوم
۱۸	عباس آباد (۱)	Abas abad (1)	۷۱۹۹۷۹	۳۶۶۶۳۸۳	۷۴۵	مرتعی	فصل دوم
۱۹	می دال	Midal	۷۱۹۹۳۴	۳۶۶۶۲۸۸	۷۵۴	مرتعی	فصل دوم
۲۰	نوم رگ (۲)	Nom rag (2)	۷۲۰۰۳۶	۳۶۶۶۱۴۳	۷۶۳	جنگلی	فصل دوم
۲۱	کله جوب قدیم	Kola job gadim	۷۲۵۴۵۹	۳۶۶۸۲۹۲	۶۳۷	زراعی	فصل دوم
۲۲	گر ولی الله	Gar Vali olla	۷۲۴۸۵۰	۳۶۶۵۳۵۶	۶۹۴	مرتعی	فصل دوم
۲۳	کی رگه	Ki raga	۷۲۴۰۳۸	۳۶۶۴۶۹۵	۶۸۹	جنگلی	فصل دوم
۲۴	چوبینه (۴)	Chobine (4)	۷۲۸۸۷۵	۳۶۶۳۵۶۵	۶۶۰	زراعی	فصل دوم
۲۵	تپه سوزه	Tapa Soza	۷۳۱۳۴۲	۳۶۶۶۰۹۰	۶۵۱	زراعی	فصل دوم
۲۶	کلاته	Kalata	۷۳۱۶۸۲	۳۶۶۸۴۴۵	۶۵۷	جنگلی	فصل دوم

جدول شماره (۲): مسیرها و منزلگاه‌های کوچ ایل زنگنه

مدت اطراق (شبهانه روز)	مقصد	مبدأ	مدت اطراق (شبهانه روز)	مقصد	مبدأ
۱	مله رویته	شیروان	۱	تق تق	ماهی دشت
۱	دوستان	مله رویته	۱	تیلان دشت	تق تق
۲	تنگه زرانگوش	دوستان	۱	دارونه	تیلان دشت
۲	کبیرکوه	تنگه زرانگوش	۱	منیره	دارونه
۱	کوه گناو	کبیرکوه	۱	توه هشکه	منیره
۲	شیلاو	کوه گناو	۲	کوه قلاجه	توه هشکه
۳	راهدارخانه آبدانان	شیلاو	۱	دزگیران	کوه قلاجه
۱	دینارکوه	راهدارخانه آبدانان	۱	چهارمله	دزگیران
۱	کوه خوناتل	دینارکوه	۱	شله کش	چهارمله
۱	کوه گره	کوه خوناتل	۱	وردلان	شله کش
۱	طمطماو	کوه گره	۱	چرداول	وردلان
۱	برتش	طمطماو	۱	شیروان	چرداول

نقشه‌ی شماره (۱): پراکندگی مکان‌های باستانی عصر مفرغ دره سیمره



نقشه‌ی شماره (۲): پراکندگی مکان‌های غیر استقراری



Central Zagros and locality - regional connection paths

Khodakeram Mazaheri*

Reza Haghghi**

Abstract

The aim of this research is study, examination and introducing the connection paths that used by residents of central Zagros area, specially by tribes, from olden times. Studies full relatively geographical had done in case of introducing the area connection paths, in the past, but, in this research we used from Studies of archaeological and anthropology, with new method, too, and we wish to see do these connection paths become involved changes from olden times to present? or not?. At this direction, we point to factors that formed this connection paths and role and importance of said paths in establishment of locality - regional connections, too. Studies and researches of geographical, archaeological and anthropology indicate that despite of high and arduous mountains that pass among central Zagros area; several connection paths formed in this area from olden times. Physical geography of this area had basis role in formation of connection paths. Mountainous conditions of this area caused human groups move along special paths and seem that much changes don't take place along this connection paths, as, this paths use by area people, specially by tribes, nowadays, too.

Key words: central Zagros, paths, archaeology of Bronze age, Zanganeh tribe, Kabir kouh, Seymareh vally, migrating .

* Assistant Professor of Islamic Azad University Branch Ilam

** Member of Scientific board of Islamic Azad University Branch Ilam